

رفیق رضا منصور کنفی

(کاک حمید)



از زحمت کشان بود و برای رهائی آنان جان باخت. رضا در سال 1339 در خانواده ای بسیار تنگ دست دیده به جهان گشود. در خانواده ای که هرگز نمی دانست آیا فردا غذایی برای خوردن خواهد یافت یا نه؟ آشنا با فقر، گرسنگی و هراس از فردا، فعالانه در انقلاب شکوهمند بهمن شرکت کرد. مانند میلیون ها تن از لگدمال شدگان نظام سرمایه داری - سلطنتی، خمینی را سمبل آرمان هایش پنداشت و زیر پرچم هواداران او علیه رژیم شاه مبارزه کرد. اما برای ذهن هوشیار و کاوشگر او، زمانی کوتاه، بسیار کوتاه، کافی بود تا پی ببرد آنچه به خوردش می دهند، نه آب که زهری کُشنده است. پس به صفوف مبارزین ضد رژیم خمینی پیوست و در این رهگذر اعتقادات خرافی را به تمامی دور ریخت و سوسیالیسم علمی را جهان بینی خویش ساخت. تا سال 59 هوادار فعال سازمان فدائی بود. در جریان انشعاب، قاطعانه مشی اکثریت را خائنانه دانست. در حقیقت او در این بینش رد پای اعتقادات پیشین خود را می دید. وقتی در علل انشعاب تعمق بیشتری کرد، به تمامی از سازمان فدائی جدا شد و به " راه کارگر " پیوست. سرکوب خونین پس از سی خرداد، او را که در دوران سربازی به عنوان آشوبگر شناخته شده و سپس نیز به علت افشاگری های بی امان مورد کینه پاسداران و جاسوسان رژیم واقع شده بود، در معرض پیگرد قرار داد. پس از انجام وظیفه در بخش های مختلف، تحت دشوارترین شرایط مبارزاتی، به پیش نهاد خود به کردستان فرستاده شد تا از تجربیات نظامی خویش در خدمت جنبش مقاومت خلق کُرد سود جوید. در کردستان در عملیات نظامی بسیاری شرکت کرد. یارانش جسارت و شور انقلابی رضا، کاک حمید دوست داشتنی را همواره به یاد می آورند. رضائی که این گفته هوشه مین کبیر زبان زدش بود: « بین سرمایه داری و

کمونیسم دره عمیقی است که باید با خاکستر کمونیست ها پُر شود». کاک حمید در بامداد 61/5/31 طی یک عملیات کارگذاری مین ضد نفر، در اثر انفجاری نا به هنگام، به شهادت رسید و خاکسترش، به روی خاکستر هزاران هزار کمونیست انقلابی دیگر نشست تا ژرفای دره را کمتر کند.